

۱۰ نکته درباره تحقق اقتصاد مقاومتی

برای شناخت بسترها و زمینه های تحقق **اقتصاد مقاومتی**، ابتدا باید به آسیب شناسی اقتصاد کشور و موانع و نیازمندی های تحقق **اقتصاد مقاومتی** پرداخت.

اولین نیاز این است که **مرکزیت و محوریتی** برای فعالیت در عرصه ی **اقتصاد مقاومتی** داشته باشیم. فعالان این عرصه باید بتوانند اطلاعات و دستاوردهای خود را در جایی به **اشتراک** بگذارند. فرماندهی هوشمند و متمرکزی برای هدایت فعالیت های این حوزه و **شناسایی و آموزش نیروهای مستعد و مناسب** برای فعالیت علمی و عملیاتی در این عرصه لازم است. سامانه ای **پولی و هوشمند** برای این مسأله وجود داشته باشد. مراکزی چون **شورای عالی امنیت ملی** که در این موضوع ورود خوبی داشته اند، بایستی با عنایت به مسائل فوق در کمک گرفتن از دیگر نیروها پویا و چابک باشند.

نیاز دوم آن است که فعالیت در عرصه ی **اقتصاد مقاومتی** نیاز به **رصد و دیده بانی** فضای اقتصادی **داخلی و بین المللی** و نیز گردآوری آمارهای **دقیق و روزآمد** دارد. ضمناً برای این که به این دو برسیم، به **شاخص های بومی** نیاز داریم تا میزان مقاومت و آسیب پذیری اقتصادمان را بر اساس آنها شناسایی کنیم و بدانیم این اقتصاد ما تا چه اندازه می تواند در برابر فشارها مقاومت کند و این سد اقتصادی چه میزان فشار را می تواند تحمل کند؟ اقتصاد غربی برای خودش شاخص دارد و ما به شاخص های بومی متناسب با این مسائل بومی خودمان نیاز داریم؛ کاری که از جوانان ما به خوبی بر می آید.

مسأله ی سوم، ضرورت **طراحی یک الگوی مشخص** از شیوه ی زندگی متناسب با **اقتصاد مقاومتی** برای عموم مردم و به ویژه برای مدافعان انقلاب و نظام مقدس جمهور اسلامی ایران است؛ آنهایی که قائل به صحت و صدق ایده ی **اقتصاد مقاومتی** هستند. یعنی ما چه الگوی مشخصی را برای بدنه ای از مردم ارائه می دهیم که بدانند نیازها و مقتضیات انقلاب چه نوع سبک زندگی را می طلبد؟ ابتدا باید دولت را در سبک اداره امور و سپس این بخش از مردم را به سبک زندگی متناسب با انقلاب تشویق و تأیید کرد تا بدین وسیله **سبک زندگی متناسب با مقتضیات انقلاب** را در جامعه پُررنگ تر کنیم که رهبر انقلاب در سفر اخیرشان به خراسان شمالی به سبک زندگی و چگونگی اصول آن پرداختند.

وقتی یک شیوه ی زندگی را بر اساس سه گانه ی «**اعتماد به نفس ملی، روحیه ی جهادی و پرهیز از لقمه ی حرام**» طراحی کردیم، می توانیم به کارآمدی آن امیدوار باشیم. توجه به **معنویت دینی** در این

سه‌گانه نقشی اساسی ایفا می‌کند. البته طبیعی است که جنگ نظامی برای مردم ملموس و باورپذیرتر باشد، اما جنگ نرم‌افزاری این‌گونه نیست. بنابراین وجود **روحیه جهادی** منبعث از آموزه‌های دینی در آن سبک زندگی بسیار مهم و کلیدی است. در روایات ما این عبارت وجود دارد که اگر کسی در میدان جنگ نبوده باشد یا در دلش حدیث جهاد نخواند، به گونه‌ای از نفاق زندگی را ترک می‌کند.

این شور و حماسه‌ی زندگی مقاوم و جهادی را باید به عرصه‌ی عموم علاقمندان انقلاب بکشانیم تا چهره‌ی زندگی را از اطراف و بی‌تفاوتی برداریم. این مهم باید در تعلیم و تربیت رسمی و غیر رسمی اقتصادی متناسب با انقلاب اسلامی پیگیری شود و ما باید نظام تعلیم و تربیت اقتصادی خاص خودمان را برای مقاومت اقتصادی و جهاد اقتصادی، تبیین و طراحی و سپس اجرا کنیم.

بدیهی است **اقتصاد مقاومتی** بر پایه و اساس **سرمایه‌ی معنوی افراد و جامعه** استوار است. بدون معنویت و سلامت معنوی، مقاومت شکننده است. مثال مهم اقتصادی در این زمینه، پرهیز از **لقمه‌ی حرام** است. لقمه‌ی حرام هر الگویی را که از شیوه‌ی زندگی متناسب با **اقتصاد مقاومتی** ارائه بدهید، بی‌استفاده و بی‌فایده می‌کند. کسی که شکمش از حرام پر باشد، پای هیچ مبارزه و مقاومتی حاضر نخواهد شد. لقمه‌ی حرام مانند یک ویروس کشنده و خطرناک است که ایمنی دستگاه تشخیص و عملکرد افراد را به کلی نابود می‌کند. لذا یکی از اهداف اساسی ما باید این باشد که مسیر لقمه‌های حرام و میزان آنرا در اقتصاد کشورمان بررسی کنیم و سپس با کانون‌های آن به شدت مقابله نماییم.

اقتصاد مقاومتی ماهیتاً اقتصادی مردمی است. ضروری است که مردم وارد این عرصه شوند تا از ورود رانت‌خوارها به اقتصاد جلوگیری کنند. اگر ما فضا را برای **حضور جوانان مؤمن و خلاق** ایران اسلامی در عرصه‌ی اقتصادی فراهم کنیم، قطعاً تحولات مثبتی را در این عرصه شاهد خواهیم بود.

مسئله‌ی چهارم عبارت از این است که نظام آموزشی ما متناسب با **اقتصاد مقاومتی** عمل کند. **کارکرد نظام آموزشی** آن است که کودکان و نوجوانان و جوانان یک کشور را متناسب با شرایط و نیازهای تاریخی آن برهه **تربیت** کند. اما متأسفانه در کشور ما این اتفاق به خوبی نمی‌افتد. به یک مثال از عملکرد آمریکا در دشمن‌سازی اشاره می‌کنم. وزارت دفاع آمریکا کتابی را در ۴۰۰ صفحه منتشر کرده که موضوعات امنیت ملی آمریکا را در آن برشمرد و توضیح داده است. مخاطبان کتاب هم عموماً معلمان دبیرستان‌های آمریکا هستند و از آنها خواسته شده تا ضمن بحث‌های خودشان به این موارد هم اشاره کنند. یعنی آمریکایی که مشکل امنیتی با همسایگان خود ندارد و اساساً خودش بحران‌ساز برای دیگران است، با استفاده از **نظام**

آموزش و پرورش خود کاری کرده که در ذهن جوانان و نوجوانان این کشور همواره **دغدغهی امنیت اقتصادی و دشمنان اقتصادی** مطرح باشد.

حال این سؤال مطرح است که **نظام آموزشی** ما چه اندازه به دنبال **جهادی بار آوردن** مخاطبان خویش است و آیا اصلاً فکری برای این دارد که فرزندان این مرز و بوم را **جهادگر** بار بیاورد؟! ما نیاز داریم که از سطح **پیش دبستان** برای این مسأله برنامه داشته باشیم. ما به شعر و داستان و کاریکاتورهای احتیاج داریم که کودکانمان را به این سمت هدایت کنیم. بنابراین توجه به **نظام آموزشی و تربیتی** در این عرصه بسیار مهم است.

مورد پنجم هم درباره‌ی **نظام رسانه‌ای و تبلیغاتی** ما برای رواج آموزه‌های **اقتصاد مقاومتی** است. ما به نظام تبلیغاتی **هماهنگ و منسجمی** احتیاج داریم که بتواند این آموزه‌ها را از طریق رسانه‌های رسمی و غیر رسمی مختلف، به خوبی و در بسته بندی‌های مناسب به مردم عرضه کند؛ همان گونه که در دوران دفاع مقدس به هر حال دستگاه‌هایی مسئول کاری شبیه این کار بودند و برای آن فکر می‌کردند. بنابراین ما باید از ظرفیت **همایش‌ها، سخنرانی‌ها، اینترنت، شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی** و حتی **مجالس مذهبی و هیئات** برای رسیدن به این مقصود استفاده کنیم. البته باید از شیوه تبلیغات غربی استفاده نکرد چرا که با این حرکت مقاومتی سنخیتی ندارد و در واقع راه کاری برای ارائه ندارد و لازم است که از تبلیغات **منحصر به فرهنگ** خودمان استفاده کنیم مانند تبلیغات دوران دفاع مقدس و صد البته به روز شد و به سبک زندگی ایرانی اسلامی.

مسأله‌ی ششم، امکان **واکنش سریع نظام اقتصادی** ما در برابر **حملات اقتصادی** است؛ این که چقدر توان **واکنش به کنش‌ها و حملاتی** را داریم که به نظام اقتصادی ما وارد می‌شود و چقدر می‌توانیم در این واکنش سریع **استقامت** داشته باشیم. اگر بحرانی پیش بیاید، تا چه میزان می‌توانیم مصارف کشور را **پایین** بیاوریم؟ مردم تا چه اندازه و در چه مدتی می‌توانند خودشان را با این تغییرات **هماهنگ** کنند؟ قوت‌های ما در این زمینه می‌باید **تکمیل و ضعف‌هایمان ترمیم** شوند.

مسأله‌ی هفتم، ایفای **نقش پررنگ مردم** در **اقتصاد مقاومتی** است. **اقتصاد مقاومتی** ماهیتاً اقتصادی مردمی است. دوباره به تعاریف ابتدای بحث بر می‌گردیم؛ اگر قرار باشد ما اقدام به نهادسازی‌های موازی در

اقتصاد مقاومتی کنیم، هیچ لزومی ندارد که این نهادسازی را دولت انجام دهد، بلکه ضروری است که **مردم** وارد این عرصه شوند تا از ورود **رانت خوارها** به اقتصاد جلوگیری کنند. الان که بحث تحریم ها و مشکلات مبادله‌ی پول مطرح است، **نهادهای اقتصادی مردمی** و **سازمان‌های مردم‌نهاد** می‌توانند نقش بسیار پررنگ و تعیین کننده‌ای داشته باشند. اگر ما فضا را برای حضور جوانان مومن و خلاق ایران اسلامی در عرصه‌ی اقتصادی فراهم کنیم، قطعاً تحولات مثبتی را در این عرصه شاهد خواهیم بود.

در زمان جنگ جهانی دوم، اقتصاددان های معروف آمریکا در واحد اقتصادی وزارت دفاع این کشور برنامه‌ریزی کردند که چگونه می‌توانند از شرایط موجود و ظرفیت های مردمی برای جنگ استفاده کنند. امروز ما نیاز داریم که یک بار **مهارت‌های مردم** خودمان را کاملاً رصد کنیم تا دریابیم که در روز مبادا مهارت چه کسانی برای این کشور به کار می‌آید و اگر کسانی چند مهارت دارند، **کدام مهارتشان در اولویت** استفاده قرار دارد.

لقمه‌ی حرام مانند یک ویروس کشنده و خطرناک است که **ایمنی دستگاه تشخیص و عملکرد افراد** را به کلی نابود می‌کند. لذا یکی از اهداف اساسی ما باید این باشد که **مسیر لقمه‌های حرام و میزان آن** را در اقتصاد کشورمان بررسی کنیم و سپس با **کانون‌های آن** به شدت مقابله نماییم.

به گمان من بوی این که عملیات **جهاد اقتصادی** ما موفق باشد، باید بازیگران اصلی این اقتصاد را نه به صورت کلی، که کاملاً جزئی تعیین کنیم. یعنی تقسیم بندی خود را از حالت **مردم** و **مسئولین** به یک تقسیم بندی **تخصصی** تبدیل کنیم که شامل **اساتید** دانشگاه، **اساتید** حوزه، **دانشجویان**، **طلاب**، **دانش آموزان**، **معلمان** و **زنان خانه‌دار** و همه‌ی اقشار دیگر بشود.

مسئله‌ی هشتم، لزوم **توجه و دلجویی و حمایت** دولت از **فعالان اقتصادی** است. اگر دولت در شرایط عادی از **فعالان اقتصادی** و از **کشاورزان و کارگران و کارمندان** حمایت کند، آن وقت می‌تواند انتظار داشته باشد که آنها هم در روز مبادا به **کمک کشور** بیایند. اما اگر دولت آنها را رها کند و به مشکلات آنها اهمیتی ندهد و فقط به فکر خود باشد، دیگر **توانی برای مقاومت** در این اقشار نمی‌ماند که بخواهند در روز مبادا مقاومت کنند؛ چنانچه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه شان به مالک اشتر به این معنا اشاره کرده‌اند.

نکته‌ی نهم، تحرک **دستگاه دیپلماسی کشور** برای فعال کردن **ظرفیت‌های بالقوه و فرصت‌های جهانی**

در **اقتصاد مقاومتی** است. **اقتصاد مقاومتی** در شبکه‌ای پویا از **اقتصاد جهانی** معنادار می‌شود و کشف و بکارگیری و ساخت ظرفیت این شبکه برعهده ی ماست. جهانی شدن اقتصاد موجب شده تا مقاومت اقتصادی نیز تعاریف جدید به خود بگیرد، لذا مانیازمند بازیگرانی خاص در عرصه ی اقتصاد جهانی و بازی در لایه‌های مختلف آشکار و پنهان آن هستیم. همچنین لازم است تا گردآوری و استفاده از تجارب اقتصادی دیگر کشورها در زمینه‌های مشابه را مجدداً پیگیری کنیم. به هر حال ممکن است هر کشوری در یک برهه‌ای با مشکلات اقتصادی مواجه بوده باشد؛ اگر **دستگاه دیپلماسی کشور** این تجربیات را گردآوری کند و در اختیار فعالان و محققان اقتصادی بگذارد، این مسأله برای اقتصاد کشور بسیار راهگشا خواهد بود.

نکته‌ی دهم و پایانی لزوم تبدیل بحث **اقتصاد مقاومتی** به گفتمان رایج در **دانشگاه‌ها، مراکز علمی و**

مجامع مذهبی است. همین صحبت کردن و گفت و گو پیرامون این موضوع و توجه به ابعاد مختلف آن، در سرعت حرکت به سمت تحقق **اقتصاد مقاومتی** تأثیری بسزا خواهد داشت. این مسأله باید در کلاس‌های درس و پروژه‌های علمی از محققان و نخبگان خواسته شود و از سوی استادان اقتصاد که درد دین دارند یا حداقل آزاده و میهن‌دوست هستند، جدی گرفته شود.

مجموعه‌ی این مطالب، درآمدی بود بر مسأله ی **اقتصاد مقاومتی** برای آغاز بحث‌های علمی. البته مطالب هر بند نیازمند تفصیل و نقشه ی راهی مشروح است که با پیگیری دستگاه های مسئول در هر بخش، ان‌شالله ادامه می‌یابد.

یکی از شروط حرکت به سمت جهاد اقتصادی و **اقتصاد مقاومتی** داشت **روحیه‌ی جهادی** است و

روحیه‌ی یک ملت، بیش از هر چیز دیگر به **فرهنگ** او برمی‌گردد. رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌فرمایند:

«اگر ما بخواهیم این حرکت عظیم اقتصادی در کشور در سال 90 انجام بگیرد، یک الزاماتی هم دارد ... اولاً

روحیه‌ی جهادی لازم است. « اما سؤال مهم این است که رابطه ی **«فرهنگ»** و **«اقتصاد»** در مکتب

اقتصادی اسلام چگونه است؟

با توجه به معنی و مفهوم **اقتصاد مقاومتی**، رابطه‌ی **فرهنگ** و این **اقتصاد** را بررسی میکنیم.

اقتصاد مقاومتی در رویارویی و تقابل با **اقتصاد وابسته** قرار می‌گیرد. **اقتصاد مقاومتی** نمی‌پذیرد که

صرفاً مصرف‌کننده باشد، **منفعل** نیست و در مقابل اهداف اقتصاد سلطه **ایستادگی** می‌کند.

هر جامعه‌ای سه رکن اساسی دارد؛ **فرهنگ، سیاست و اقتصاد**. این سه رکن متقوم هم هستند و از بین آنها، فرهنگ نقش مهم تری دارد. بنابراین **اقتصاد** در تبعیت از **فرهنگ** عمل می‌کند. اساساً اقتصاد، **ارزش‌ها و جهت خود** را از فرهنگ متبوع خود می‌گیرد. بنابراین تا **فرهنگ مقاومتی** نباشد، **اقتصاد هم مقاومتی** نخواهد شد. پس این دو با هم یک رابطه‌ی طولی دارند.

الگوی مناسب برای این رابطه

بهترین الگو برای ایجاد رابطه‌ی **فرهنگ و اقتصاد مقاومتی**، الگوبرداری از **فرهنگ بسیج و دفاع هشت ساله‌ی** ما در برابر همه‌ی دنیا است. در جنگ تحمیلی با تکیه بر **فرهنگ عاشورا**، بزرگ‌ترین **جبهه‌ی مقاومت** در مقیاس عمومی و در تمامی سطوح جامعه شکل گرفت. عامل اصلی این مقاومت گسترده «**مذهب و باورهای اعتقادی**» بود. این عامل هم بر دو رکن اساسی استوار بود؛ رکن اول «**عاشورا و شهادت**» و رکن دوم «**انتظار و ظهور منجی مصلح**».

فرهنگ اقتصاد نیز همچون فرهنگ سیاست به مجموعه **ی باورها، ارزش‌ها و رفتارها و نمادها** در حوزه‌ی ثروت اطلاق می‌شود که با تغییر یا تحول آن، **اقتصاد مقاومتی** نیز دچار تغییر و تحول خواهد شد. پس هر گونه تحول مثبت یا منفی در فرهنگ سیاست (**قدرت**)، فرهنگ اقتصاد (**ثروت**) و فرهنگ اجتماع (**هنجارها و رفتارها**) مستقیماً بر **اقتصاد مقاومتی** تأثیر دارد.